

مهندسی نقشه جهان هستی، آغاز و پایان خلقت در اندیشه توحیدی

The engineering plan of the universe, The beginning and the end of creation in to monotheism idea

بهمن حکیمان

مدرس گروه معارف اسلامی دانشگاه ارومیه و رئیس مرکز آموزش عالی جامع علمی کاربردی فرهنگ و هنر
b.hakiman@yahoo.com

چکیده

اگر حس بینائی نداشتیم ، دنیا چگونه بود؟ اگر یک حس قویتر دیگری داشتیم ، دنیا چگونه بود؟ نقشه جهان هستی چگونه است؟ آغاز و پایانش کجاست؟ موجودات ماوراء ماده در کجای این عالم هستی قرار دارند؟ فیزیکدانان ، علوم تجربی ، مکاتیب، فلاسفه و ادیان در مورد این نقشه چه طرحی دارند؟ وضعیت دنیای فیزیک نیوتن، میکرو فیزیک ذره ای و ماکرو فیزیک و دنیای های موازی ، جهان را چگونه ترسیم می کنند؟. پلان جهان هستی ماده و غیر ماده از ابتداء تا انتها در مرام اندیشه اسلامی چگونه است؟ مبداء خلقت، خداست و پایانش نیز اوست. بین غیب مطلق تا عالم حس ماده چه موجوداتی است؟ موجودات غیر مادی در اندیشه ادیان توحیدی تمام زوایای عالم هستی را بعنوان واسطه اخذ فیوضات الهیه و باز تابش آن به سایر ساکنان ملکوت و جبروت و عالم ماده قرار گرفته اند تحت عنوان فرشتگان ، امشاسپندان و ... در مکاتیب توحیدی . تجلی حق تعالی ، و مراتب ظهورات او، موجودات میانی با نامگذاریهای متفاوت در گویشها به عنوان حقیقت محمدی ، لوگوس ، کترا ، دیهیم ، و سپس مراتب تظاهرات این حقیقت در پرده های سوم چهارم، تا آخر و معیت حقیقت متعالی و موجودات متعالی بعد از خداوند با تمام موجودات و معیت آنها از آغاز تا پایان در سیر وجودی و معادی موجودات حضور داشته و فرایند معادی آنها تا لقاء الله و فنا در مبداء خودشان از مباحث این نوشتار است. در نقشه مخروط هستی تمام جایگاهها با موجودات خاص خود ، رصد و ترسیم شده است از آغاز ظهور عالم هستی یعنی ساکنان عالم جبروت و ملکوت تا متا میکرو فیزیک ذره ای و کوانتمی طبیعت .

واژگان کلیدی: مخروط ، هستی ، حقیقت محمدیه ، فرشتگان، مبداء، معاد

Abstract

If we did not have the sense of sight, was the world? If we had a stronger sense of another, was the world? Map of the universe look like? Where is the start and end? With creatures beyond matter where in the universe? Physicists, science, letters, philosophers and religions on the map or plan for? Newton's physics world situation, micro and macro physics and particle physics parallel world, the world how to draw? Plans are material and non-material world from the beginning to the end of the ideology of Islamic thought, how? Source of Creation, God and also his end. The absolute unseen to the world of sense of what creatures? Spiritual beings thought monotheistic religions all aspects of the universe as a divine blessings and radiation getting through to other residents of the kingdom and the might and the material world are called angels, Amshaspandan and the Consolidated letters. Manifestation of God, and even his appearance, between the different designations in dialects as the Muhammadan Reality, Logos, Katra, crown, and even protests then the fact of the curtains of the third quarter, and the company of really high end and After God exalted beings with all beings and accompanied them from start to finish in garlic and Maadi process of organisms present and the countenance of God and mortals in their origin of the topics of this article. The map of the cone are all positions with its own creatures, observing and drawing is the beginning of the universe, the inhabitants of the world of particle physics and quantum micro might and kingdom of the meta nature.

Key words: cone, existence, truth Mohammedia, angels, origin, Resurrection

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

ما اشهدتهم خلق السموات والارض و لا خلق انفسهم

بشر پیوسته در سیر تاریخی خود همیشه در جستجوی یافتن مبداء خلقت خود و کائنات بوده و هست و به دنبال یافتن پاسخی صحیح بر این پرسش فطری بوده است. توجه به آغاز خلقت و کنجاوی و یا ترس و وحشت و دهشت او از پایان خلقت، در نهاد او، نگرانی دائمی انسان می باشد. در حالیکه حق تعالی او را شاهد خلقت خویش و جهان ننموده است به حکم آیه ما ... لخلق السموات والارض اکبر من خلق الناس است و رسیدن به پاسخ کامل و اکمل، امکان پذیر نیست زیرا در لحظه اولین خلقت و به عبارت دقیق اولین تجلی ذات هو در راستای ظهور و خروج از کمون غیب الغیوب، کنت کنزاً مخفياً (فیض کاشانی^{۱۳۸۶}) غیر از حق مطلق، چیزی نبوده است. به حکم: کان الله و لم یکن معه شیء.

بر کسی پوشیده نیست که خبرگیری و آگاهی انسانها از آغاز تا پایان آفرینش با توجه به اسرار و عجایب، دهشت و وحشت از پدیده های نامأنوس، و در سایه ابهام راز گونه بودن و بودن فرایند ظهور، سیر و حرکت نهائی عالم هستی بویژه جهان طبیعت، الزاماً انسان را در یک تفکر متافیزیکی و حیظه غیر مادی کشانده و صاحب اندیشه های فلسفی گشته است. در این میان، جهل، نگرانی، وصول به آرامش، سوء استفاده، و عوامل دیگری موجب گشته تا پاسخ گویان سوالات و مجهولات جهان شناختی انسانها، دستاویز مکاتیب غلط، انحرافی شده است و تنها راه و مسیر رسیدن به پاسخهای حقیقی، فقط در پیامهای وحیانی انبیاء و اولیاء الله که هم از جهت اخذ پیام از منظر اعلا و هم مقوله های شهودی و ارتباط با عالم خارج از خود و طبیعت و ارتباط با ساکنان عوالم وجودی ملکوت و جبروت و بهره مندی از حقایق اسماء الله به عنوان منبع اطمینان بخش، راهگشا و هدایتگر در زندگی طبیعی بویژه عوالم پس از مرگ معرفی گردد. یعنی اندیشه های ناب توحیدی بالاخص محمدی. به عبارت دیگر اینکه بشر پیوسته در سیر تاریخی خود به طور فطری همیشه در جستجوی یافتن مبداء خلقت خود و کائنات بوده و هست. قرآن محمدی(ص) که لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین، پرده از این راز برداشته و همگان را دعوت به رؤیت آغاز و پایان آفرینش نموده است. اولم یروا کیف یبداء الله الخلق ثم یعیده. روش کار: موضوع بر اساس آیه انا لله و انا الیه راجعون یعنی من الله تا الی الله سیر نزول و صعود و به عبارتی قوس نزول از مبداء تا قوس صعودی معادی را با ملاحظه مشارکت ملائکه و ساکنان جبروت و ملکوت به عنوان مدبران امر مورد بررسی قرار می گیرد و در این میان عوالم اسماء الله، جبروت و ملکوت در سیر نزول قبل از طبیعت و در سیر صعود بعد از دنیا تا قیامت بحث شده است. معیت خلیفه الله در حدیث الحجه قبل الخلق و مع الخلق و بعد الخلق از آغاز تا پایان مخلوقات بیان گردید. علاوه بر اثبات حضور و معیت حق تعالی، حقیقت محمدیه و ملائکه در طبیعت بویژه ارگانیسم طبیعی موجودات ذی شعور و دارای حیات زیستی، این موضوع معیت نیز در صنعت، بیومکانیک و نانوتکنولوژی، مورد توجه قرار گرفته است.

ضرورت

آیه اولم یروا کیف یبداء الله الخلق ثم یعیده رویت فرایند آغاز و پایان خلقت را حق تعالی در قرآن مجید از ضروریات و مطالبات دانسته و این امر امکان ندارد مگر ورود به ملکوت و نظاره بر ساکنان آن و کیفیت تدبیر امر. او لم ینظروا فی ملکوت السموات والارض و ما خلق الله من شیء. حق تعالی، اراده و قدرت خویش را در گستره عوالم وجودی، خود را در نفوس نورانی و مجردات تا طبیعت و صنعت و تکنولوژی، ظاهر نموده است. یا من کل شیء موجود به. رویت ملکوت و آغاز و پایان خلقت یعنی مبداء و معاد، ضرورت خروج از فضا زمان مکان و جهان های موازی و رسیدن به سدره المنتهی را می طلبد. این امر برای غیر انبیاء نیز مقدور می باشد البته به شرط فرغ قلبک عن ما سواه، خروج از حواس پنجگانه و تبطل الیه تبتلاً و گرنه این درخواست خداوند به عنوان مطالبه از عموم مومنین، دور از حکمت و رافت و عدالت خواهد بود چرا که خدا چیزی

را بخواهد و می‌داند که وصول به آن امکان پذیر نیست! در این نگرش به طبیعت و ملکوت و جبروت، ظهور و شهود او از بدیهیات خواهد بود به برکت: یا شاهد کل مشهود.

عناوین موضوع

- ۱- ترسیم نقشه جهان هستی، یعنی ارائه طرح و پلان مهندسی ظهور کائنات از ذات غیب الغیوب مطلق الهیه.
 - ۲- تبیین نزله اخری ظهورات حق تعالی، ظهور ذات در ذات و ظهور ذات در مرتبه نزولی
 - ۳- ظاهر شدن اول ما خلق الله و وجه تسمیه و نامگذاری این حقیقت با عناوین مختلف
 - ۴- مبداء و آغازگر خلقت نفوس توسط نفس کلی جبرئیل یا عقل فعال و مراتب عقول نزولی
 - ۵- موجودات ماوراء ماده نوری فرشتگان مغرب، کبری، کلیه، جزئیه
 - ۶- ظهور عوالم وجودی جبروت اعلی، ملکوت، ناسوت از حقایق اسماء الله مرتبط با عالم لاهوت.
 - ۷- اشارتی مختصر به اندیشه ادیان و مکاتیب توحیدی و دینی به تفسیر و اسامی این واسطه‌ها
 - ۸- جایگاه جبروت و ملکوت قبل از دنیا و بعد از دنیا.
 - ۹- عوالم وجودی مانند لیوان تاشو، تودرتوی هم هستند نه در عرض هم.
 - ۱۰- ارائه نقشه مخروط هستی و نمای تفصیلی و تکمیلی و مشروح مهندسی خلقت
 - ۱۱- تبیین معیت حق تعالی، حقیقت محمدیه و علویه، جبرئیل، ملائکه مقرب و کبری با تمام موجودات
 - ۱۲- ماده الموماد، آغاز جهان ماده و اولین موجود، وحدت وجود در فیزیک
 - ۱۳- کن فیکون در تفسیر عرفانی، کلامی و فیزیک
 - ۱۴- تبیین مسیر و نقشه سیر نهائی و صعودی و معادی موجودات و بیان کیفیت لقاء موجودات الی لقاء الله
- روش تحقیق، جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری، ابزارهای پژوهش (چگونگی بررسی روایی و پایایی ابزارها) و روشهای تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود (مقالات غیر پژوهشی از این چارچوب مستثنی هستند).

شرح موضوع :

نقطه صفر خلقت

مقام عما : ملاحظه وضعیت عالم هستی قبل از خلقت مخلوقات در حدیث توسط حضرت رسول اکرم (ص) به عنوان عما ، توصیف شده است. سئل عن رسول الله : این‌کان ربنا قبل ان یخلق الخلق؟ قال (ص) : کان فی عما . مقام عما یعنی کان الله و لم یکن معه شیء یعنی نقطه صفر خلقت . که غیر از او هیچ چیزی نبوده است.

سئل عن رسول الله : این‌کان ربنا قبل ان یخلق الخلق؟ قال (ص) : کان فی عما

ص ۲۹ متن عربی شرح مصباح الهدایه حضرت نایب الامام سید روح الله خمینی (ره)

مقام عما یعنی کان الله و لم یکن معه شیء یعنی نقطه صفر خلقت . که غیر از او هیچ چیزی نبود.

آغاز آفرینش : (قوس نزول ن و القلم و مایسپرون)

الف - ذات در مرتبه غیب الغیوب ؛ غیب مطلق در جلوه کان الله و لم یکن معه شیء :

ادراک غیب مطلق برای هیچ احدی ، مقدور نیست به حکم یا من لا یعلم کیف هو الا هو . چون قبل از وصول به جایگاه در اثر پرتو جلال الهیه، محو و فانی می‌گردد. زیرا کبریائی و عزت عزیز ، مجال بروز غیر نگذاشته و غیری ، موجود نیست تا به او

بپردازد. در غیرت غیور مطلقش، جمال او، بی حجاب، معلوم و مشهود نشود. جلال او، صور تعینات اسماء است که موجب ستر و حجابی بر ذات هو است. ذات هو از مقام احدیت و واحدیت با تجلی و تعینی دیگر، اسم ذات، الله را متجلی ساخت. قبل از آغاز هر آغازی فقط وحدت او بوده و دیگر هیچ. در این وحدت وجود حقیقی، تمام شئونات و اسماء و انوار و حتی علمش نیز در ذات، مندک بود و فقط در آن مقام وجود مطلق اوست.

ب- تجلی ذات هو در اسم الله الاعظم و تجلی الله در کسوت اسماء الحسنی: اراده هو مبنی بر فیاضیت و نمودار شدن کمال و جمالش، نشانگر فوران فیض وجود اوست تا فعل فائض به فیضان مبدل شود. حجاب استتار، از خفا و کمون و غیب مطلق، فرو افتد و کشفی از ذات حاصل گردد با تجلی از ذات بردات به مرتبه اسم الله الاعظم سپس به مرتبه امتهات اسماء و اسماء کلیه و تا اسماء جزئیه و ظهور صفات هویتشان و مظاهرشان. تا موجودات مادی عنصری و کهکشانی، از علم هو، خروج ظاهری شهودی کردند تا با چشم مادی قابل عیان شوند. اسم مرید از ذات هو نمودار شد. بوسیله ذات هو با زیبایی کامل، جلوه گرینما نمود و با تجلی خود بر ماهیات موجودات در حضرت علمی، هم وجود بخشید چون جواد است و موجد. و هم ماهیت بخشید چون او مَصَوِّر است. هو الله الخالق الباری المصور.

حق تعالی، مصدر و صمد کل کائنات: و ما من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم. حقایق اشیاء با لحاظ تجردشان با تمام تعینات در مرتبه وجهه الله در نزد حق تعالی می باشند در مقام قرآن و همینطور شیئیت اشیاء بدون لحاظ مادیتشان با تمام تفصیلاتشان در نزد حق تعالی هستند در مرتبه تفصیل و در مقام فرقان. شیئیت اشیاء با تمام تنوع و تدرج و تفاوتها مورد شهود و توجه حق تعالی قرار دارد. این حقایق جهت نیل به مرتبه نازله خود، به تدریج. به اندازه و معین، از عالم ملکوت و جبروت پائین آمده و نزول یافته تا اینکه در عالم ناسوت در جلوه جوهر جسمانی و ماده المواد و عنصر مادی، متظاهر می گردند.

عدم تحمل ماده در قبول تجلیات کامله الهیه: قل الله خالق کل شیء...آیه ۱۶ سوره رعد. انحصار خالقیت از برای خداوند اثبات می شود ولی براساس آیه لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعاً متصدعاً من خشیه الله در آیه ۲۱ سوره حشر و آیه ۱۴۳ سوره اعراف و لکن انظر الی الجبل فان استقر مکانه فسوف ترانی فلما تجلی ربه للجبل جعله دكاً و خرّ موسی صعقاً نشان از عدم تحمل تجلیات الهیه می باشد.

ضرورت وجود واسطه های خلقت: لذا حق تعالی با تمام ذات کامله و مطلقش در ماده، قرار نمی گیرد و برای رسیدن فیض الهی به مخلوقات بویژه ماده، باید واسطه های اخذ فیض به عنوان گیرنده انوار و باز تاباننده و انعکاس دهندگان تجلیات ربانی باید باشند مانند ترانسهای کاهنده در ایصال ولتاژ کم به یک آرمیچر و فلسفه وجودی آدابورها.

این واسطه ها به ترتیب براساس جایگاه خود عبارتند از:

- ۱- حقیقت محمدیه طبق حدیث اول ما خلق الله نوری و خلق جمیع الخلائق من روحی.
- ۲- سپس روح اعظم که بالاتر از جبرئیل است طبق فرمایش امام صادق در تفسیر آیه تنزل الملائکه و الروح در لیل القدر.
- ۳- چهار ملائکه مقرب که افضل آنها حضرت جبرئیل است به عنوان عقل فعال و نفس کلی.
- ۴- ملائکه کلیه که تحت امر ملائکه مقرب است طبق دعای ام داود: و صل علی عزرائل و الاعوان و الانصار. و بعد از آن ملائکه جزئیه طبق آیه ۱۱ سوره رعد له معقبات من بین یدیه و من خلفه یحفظونه من امر الله و آیه ۵ سوره نازعات ... فالمدبرات امراً.
- ۵- جوهر ماده یا هیولا (ماده المواد) در جایگاه واحد بسیط الاشیاء کل شیء و سپس بروز کثرات در عالم طبیعت فلا ضد فی ملکوت سلطانه و لاند فی جبروت شأنه از دعای ماه رجب صادره از ناحیه مقدسه

نمائی از مراتب نزولی سیر ظهور مخلوقات از هو الله العلی العظیم تا طبیعت ماده :

هُوَ

غیبُ الغیوب

حَى الْقِیُومِ علم، قدرت، اراده (علیم، قدیر، مُرید)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ظهور مخلوقات در جایگاه انا الله

احدیّت (حقیقت محمدی) واحدیّت

(قاب قوسین أو أدنی)

ازل (مبداء) اول / ابد (معاد) آخر

آغاز سیر نزولی خلقت انا لله و انا الیه راجعون پایان سیر صعودی خلقت

عینِ ثابتهِ محمدیه (نور عقل و روح محمدی)

روحِ اعظم

اسماء و صفات کلّیه الهیه (جبروت الهیه - عرش سبحانی)

(روح الامین) جبرائیل (نفس کلی - عقل کل) و ملائکه مقرب و ارواح طیّبه

از مبداء؛ تداوم سیر نزولی خلقت تداوم سیر صعودی خلقت تا معاد

(در مسیر مبداء و نزولی) عالم قضا و قدر الهیه - مفاتیح الغیب - قیامت کبری (در مسیر صعودی و معاد)

أمّ الكتاب لوح محفوظ عالم امر

نفوس ملائکه کبری

قدر ربّانی - ملکوت علیا (علوی) - نفوس ملائکه اعلی - لوح محو و اثبات

.....بَعْدَ زَمَانٍ.....

- خیال مُجرّد - ملکوت سُفلا (سُفلی)

قیامت صُغری - مرگ - جدائی همه نفوس از طبیعت

.....

عالم مُلک (کُرسی)

عالم طَبع

کهکشانیها آسمانها و زمین و ساکنان آنها (جماد، نبات، حیوان، ذی شعور دیگر)

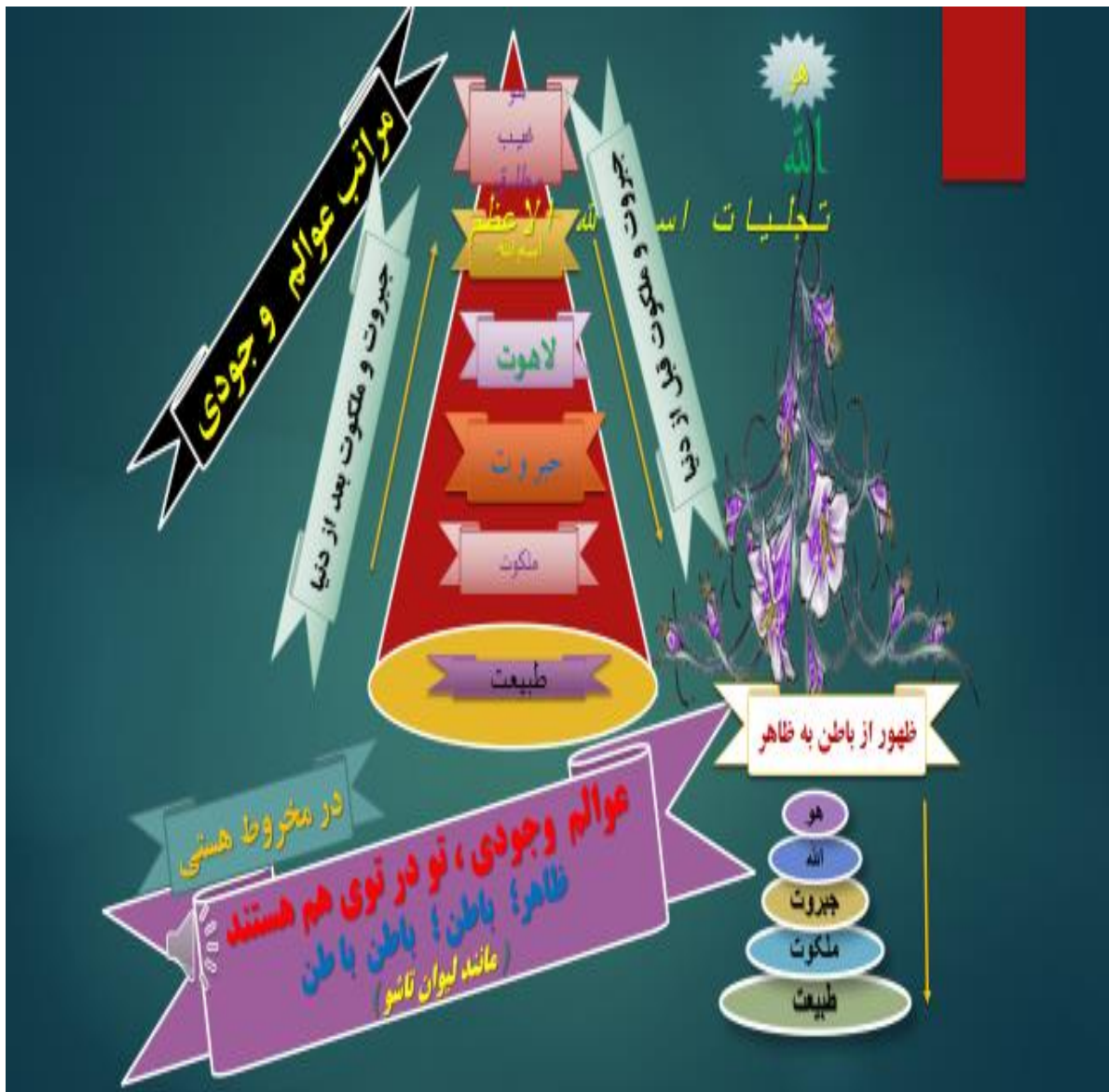
طبیعت انسان؛ ظاهر جنس از خاک، پست تر از آتش ولی با ملکوت اشرف از آن

عالم ناسوت موادّ ماده، غُنْصُریّه، هیولا، عالم حسّ //////////////// اظهر الظواهر

أظلم ناسوت - عالم جنّ؛ ظاهر جنس از آتش لطیف تر از خاک و در ملکوت، کمتر و پست از خاک

انتهای سیر نزولی خلقت از مبداء آغاز سیر صعودی خلقت بسوی معاد

تمام مخلوقات در جایگاه لقاء الله - الیه راجعون



**قال رسول الله (ص) : اول ما خلق الله نوري
ثم خلق جميع المخلوقات من روجي**

تکات قابل توجه :

- ۱- از راس مخروط هستی تا عمق عالم طبیعت ، ذات حق تعالی با تمام موجودات ، معیت قیومی دارد .
- ۲- هر چه به عمق طبیعت در حرکت باشیم ذات حق تعالی در پرده ستر و حجاب قرار می گیرد و در راس مخروط کثرت اسمائی و به تبع آن کثرت طبیعت ، گم و محو می شوند .
- ۳- ذات غیب الغیوب هو ، لایدرک و لایوصف است یا من لا یعلم کیف هو الا هو .
- ۴- هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن بعد از ظهورات نزله آخری اسم واحدیت در تمام عوالم و ساکنان آن باید مد نظر و شهود قرار گیرد .
- ۵- عوالم در طول هم نیستند بلکه در پرده های باطن داخل هم دیگرند به صورت سایه روشن .
- ۶- تا عالم ناسوت طبیعت که بعد زمان در آنجاست در عوالم باطنی بالا ، گذشته و حال و آینده یکی است و سدره المنتهی آنجاست .
- ۷- بعد از قاب قوسین در ظهورات و مراتب بائین ، حقیقت محمدی و ولایت علوی به عنوان مظهر اسم رحمان و رحیم با تمام موجودات معیت دارند .

**شرح نمای تفصیلی
مخروط هستی**



حضور مع الحق موجودات در آغاز تا پایان :

علم الهی در مراتب ظهور اولیه ؛ علم اجمالی بوده و در سریان و جریان ظهور علم حق تعالی بصورت تفصیلی در جلوه اعیان ثابتہ اشیاء ظاهر می شود. در مقام اسم الله، نقشه کائنات بوده قبل از اینکه حقیقت محمدیه و لوح محفوظ و ام الكتاب ظاهر شوند. و این مفهوم کل جمیع لدینا محضرون می باشد در آیه ۲۳ و در سیر صعودی قوس صعود معادی ، مجدداً تمام کائنات الیه راجعون و الی الله تصیر الامور می شوند به حکم آیه- فاذا هم جمیع لدینا محضرون ۵۳ سوره یس. همه چیز، فقط جلوه متنوع اوست. با تفصیلشان در مرتبه علمی در محضر حق تعالی هستند در مقام جمع الجمع .

این حضور مع الحق ، هم در مبداء قبل از ظهورات و بروزات مادیه است و هم حضور معادی در سیر صعودی است که کل شیء یرجع الیه می باشند. این حضور حقیقت اشیاء تمام کائنات در تمام دوران در مبداء خود ، سیر نزولی یافته و پس از بروز در عوالم لاهوتی، جبروتی و ملکوتی ، وارد عالم مُلک و طبیعت شده و سپس بعد از نمایان شدن جلوه های مادیشان ، مجدداً سیر معادی خود را از طبیعت به ملکوت و جبروت و سرانجام در مقصدشان (الیه راجعون) به مبداء خود که انا لله و من الله بوده رجوع کرده و به ذات او مراجعت می نمایند. هر موجودی، عالم است به ظرفیت وجودی خود و ارتباطش با خالقش که بقای وجود از او بطلبند و تمنای نیاز از رزاق مطلق برای تداوم وجود و کمالشان ، براساس خط ربط با خالق که این ربط را مفاتح الغیب لایعلمها الا هو می باشند.

ب- حقیقت محمدیه**اشراق تنزلی تجلیات الهیه در فرایند اولین تجلی حق تعالی برای ظهور و ایجاد اول ما خلق .**

فیض ذات هو در مقام احدیت با .احدیت و با معیت اسم احدا با جلوه باسط، منبسط گردیده با صفت فیاض ، کثرت اسماء، نمودار شدند. واحدیت از دریچه حقیقت محمدی ، احکام اسماء وصفاتش را در ساکنان عوالم وجودی در وجودیشان؛ ظاهر نمود ظهور اول ما خلق الله؛ ما خلق الله خلقاً افضل منی مصباح الهدایه امام خمینی که اساس آن فرمایش حضرت مصطفی(ص) که: انا اول من یتجلی له الرب - اول ما خلق الله نوری ثم خلق جمیع الخلائق من روحی اولین ظرف و ظاهر کننده اسم رحمن بین احدیت و واحدیت ، قرار گرفته و آن تمثل اعلی به نام مثل اعلی، حقیقت محمدی است. اسراری در فتمثل لها بشراً سوياً وجود دارد که شهید مطهری با وسواس و دقت تمام آنرا تأیید و تبیین نموده اند.. این موضوع نیز در مبحث شناسائی واقعی کجاست؛ به مُثل افلاطونی معروف است. حدیث ان فی العرش تمثال جمیع ما خلق الله- و حتی ان فی کل سماء ابن عباس مثلی(فیض کاشانی) یک بحث بسیار جالب و پُرشکوه در راستای دنیاهای موازی و بهشت آدم از بهشتهای دنیا ، را قابل طرح می گرداند . حق تعالی نیز در تمثل عالی و اعلاى خود در جلوه حقیقت محمدیه ظاهر شد یا من له المثل الاعلی. سپس در ائمه معصومین آل محمد(ع) متمثل شد به مثل اعلی. السلام علی ائمه الهدی ورثه الانبیاء و المثلی الاعلی (زیارت جامعه قمی ۱۳۸۳) . مصطفی (ص) در شکوه معراجیه اش به تولدگاه خود رسیده و با جسم عنصری خود ، عالیترین و کاملترین مرتبه صعود و عروج واعلی بودن تمثل حق تعالی را اثبات ، و به نمایش گذاشت و کسی را در این دنیا ، یاری وصول به این مقام نیست حتی حضرت ابراهیم که لقد اصطفیناه فی الدنيا و انه فی الاخره لمن الصالحینخواهد بود به شفاعت احمدیه (ص). در اکمال این موضوع توجه به حدیث : خالی از لطف نیست. موضوع دیگر تمثل ارواح متعالی طیبه قبل از دنیا و بعد از ارتحال و تمثل حضرت فاطمه زهرا(س) حدود پنج هزار سال قبل از میلادش در معبد آناهیتا تخت سلیمان تکاب آذربایجان غربی (سید کماری) و تمثل دوباره آن حضرت بعد از هزار و سیصد سال بعد از شهادتش در منطقه فاطیما اسپانیا(حسن یوسفیان ۱۳۹۰) باید رمز گشائی گردد. ادراک کیفیت تمثل ارواح فتمثل لها بشراً سوياً جبرئیل (ع) در برابر مریم(س) و فرشتگان در ضیف ابراهیم(ع) موضوع درک تمثل حق تعالی در خانه فاطمه برای رسول الله (ص) را تسهیل می نماید.

تنوع ظهورات در نامگذاری حقیقت محمدی بعد از تجلی ذات در ذات ، تجلی حق تعالی در مرتبه اسم الله الاعظم و سپس بررسی جایگاه صادر اول یا اول ما خلق الله که نور محمدی(ص) است. همان جایگاهی که در معراج به آن واصل شده و مقام قاب قوسین او ادنی می باشد. آفرینش سایر مخلوقات که پرتو و ظهورات نور محمدی است. این جایگاه به تناسب نوع

آثار و جلوه‌گری هایش، اسامی مختلف نام گرفته به اعتبار و لحاظ جلوه‌گری هایش و نمودهای آن و نظاره به جایگاه‌هایش، اسامی و القاب و عناوین مختلف نام گرفته است :

در جایگاه بین نقطه‌احدیّت و واحدیّت . قاب قوسین ؛ قرار گرفته است. به لحاظ تجلی اول از اسم الله الاعظم، صادر اول گویند. به اعتبار منشاء و مصدر خلقت و ایجاد کائنات ، به آن نَفْسُ الرَّحْمَنِ یا خلیفه الرحمن گویند. به لحاظ ذو العلم متجلی شده از اسم الله به آن؛ عقل اول گویند. عقل کل و نفس کل؛ جبریل امین است. به اعتبار کاتب بودن و تدوین قضاء و قدر به آن ؛ قلم اعلا گویند. اُکْتَبَ فی خلقی الی یوم القیامه. به لحاظ در خود جای دهنده تمام کائنات جبروتی ؛ مُلْکی و ملکوتی ؛ با تمام علوم و قدرت و آثار مخلوقات به صورت کُموْن و غیبی ، اُمّ الکتاب و به لحاظ محافظت از قضاء و قدر و جلوگیری کننده از دستخوش تغییرات و انحراف ، لوح محفوظ گویند. به اعتبار مشیّت و قَدَر حَقّانی و اسرار گونه بودن قضاء و قدر به او ، سرّ لیله القدر گویند. و یگانه و بی همتا بودن جلوه اکمل و تامّه الهیّه که همانندش نیست به او مقام فردانی صمدانی گویند کسی و چیزی همانند و مثل خدا نیست او مثل و مَثَلِ اعلاّی خدای سبحان است که هرکس هوس و طمع جایگاه مدینه محمدی را بدون ورود به مقام علویّه که باب مدینه النبی است بشود، سرنگون افتد. در اسرار حروفی (حم) ظهر الحق بمحمد و در (ص) و القرآن ذی الذکر هو صورہ المحمدیه و در (ق) هو قلب محمد و در (ن) و القلم هو نفس محمد و در (طه) طهارت و هدایت محمدیه است که به نحو با شکوهی خبر از جایگاه مثلی اعلی را به نمایش می گذارد. (کاشانی عبدالرزاق ۱۴۲۷)

اگر حقیقتی بنام محمدی نبود؟ چه می شد؟ اگر حقیقت محمدی نبود نه ابتدائی معنا داشت و نه انتهای خلقت. آغاز خلقت از محمدیست و پایانش نیز به حقیقت محمدی خواهد رسید. لولاک یا محمد لما خلقت افلاک. آغاز خلقت بدست محمدی و پایانش نیز بدست محمدی است. تجلی ذات مطلق از مشرق عنایت حق و از آسمان اسماء لاهوتیه طلوع کرد. از آئینه وجودی حقیقت محمدی عبور و به صورت سایه، پرده های رحمت امکانیّه خود را به عوالم فرودست، گسترانید. وجود مطلق در حضرت واحدیّت منبسط گشت و موجودات بی شماری را ظاهر کرد. اراده الرَّبِّ فی مَقادیرِ اُمُورِهِ تَهْبِطُ اِلَیْکُمْ وَ تَصْدَرُ مِنْ بُیُوتِکُمْ فرمان خدا در تقدیر و اندازه گیری امور عالم، به سوی شما فرود می آید و از خانه های شما صادر می شود.

اگر شما نبودید؛ آنوقت اول و آخر و ابتدا و انتها معنی نداشت و سیر نزول و صعود امکان پذیر نمی شد و چرخه حیات و عشق و تجلیات آن انجام نمی شد. هرگز معادی ، در کار نبود و استکمالی در روح و نفس و جسم و مظاهراسماء و شهود کمالیه توسط حق تعالی واقع نمی شد. هیچ مخلوقی و تجلی و دنیائی پا به عرصه وجود نمی گذاشت و کنت کزناً مخفیاً همیشه در حال اختفاء قرار می گرفت و غرض و منظور خلقت آفرینش، تحقق نمی یافت. لولاک لما خلقت الکون، اتصال دهنده اول و ابتداء به آخر و انتهاء یعنی مبداء و معاد موجودات همان حقیقت محمدیست. آغاز خلقت بوسیله آنهاست و پایان و معاد و فانی شدن موجودات از جبرئیل گرفته تا ریزترین ذره عنصری مادّی در محمد و آل محمد است و بس! یعنی سرخ ابتدا و پرتوهای آغاز و انتهای آنها بدست شمس محمدی است (بِکُمْ یَفْتَحُ اللهُ وَ بِکُمْ یَخْتَمُ). اَلْحَجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ (کوچه باغی) افضلیت و برتریت حضرت محمد(ص) نسبت به جبرئیل مشهود است. : یا رسول الله ء انت افضل ام جبرئیل. فقال یا علی، انا خیر من جبرئیل ان الملائکه لَخُدّامنا . (علامه طهرانی ۱۴۲۹)

فرابند اولین ظهور ساکنان جبروت اعلی در جلوه روح اعظم از حقیقت محمدیّه در یک بحث فنی در موضوع نکاح و تناکح در عالم اسماء با اعیان ثابته موجودات اثبات می شود چگونگی زایش و ظهور ارواح و نفوس نورانی و کیفیت خلقت ملائکه کبری و ملائکه جزئیّه و ضرورت توزیع در گستره کائنات به حکم مدبرات امر که ... الذین یحملون العرش و من حوله یسبحون بحمد ربهم ... و یحمل عرش ربک فوقهم یومئذ ثمانیه... حافین من حول العرش ؛ نقش ارواح طیبیه و روح اعظم و جبرئیل امین و سایر ملائکه مقرب، کبری و جزئیّه در راستای و جعلتهم معادن لکماتک و ارکاناً لتوحیدک و بهم ملاءت سماتک و ارضک حتی ظهور ان لاله الا الله؛ و مدبرات امر در این بخش بسیار قابل توجه و نگرش و تأمل می باشد.

باتابش نور مشیّت الهی به آئینه های متعدد و باز تابش و توزیع آن به سرتاسر عوالم وجودیّه از جبروت اعلی تا ناسوت طبیعت و هیولای ماده اولیه عنصری در نقشه هرم هستی توسط علامه حسینی طهرانی بطور تکمیل با بهره گیری از آراء ابن سینا، میرداما، ملاصدرا و علامه طباطبائی بر مبنای احادیث و آیات قرآنی ترسیم شده است. برای اینکه امر الهی از عالم امر به عالم

خلق، تنزل پیدا کند و در فرایند کن فیکون؛ اراده و مشیت ربّانی به موجودات مادی عنصر تبدیل شود و این موجودات؛ خدا نما گردند به حکم و من آیاته... از آنجائیکه حق تعالی نه مستقیماً، ماده می شود و نه مداخله در ماده می کند مگر از طریق آئینه های کاهش صفات از مطلقیت و تزریق به اندازه ظرفیت موجودات به مثابه ترانسهای کاهنده در انتقال و لتاژ عظیم به دستگاههای تا نیم ولت و میکرو ولت و نانو ولت. به حکم آیه لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعاً متصدعاً من خشیته الله آیه ۲ آخر سوره حشر؛ و آیه ۴۷ اعراف یا موسی: انظر الی الجبل فان استقر مکانه.. فلما تجلی ربه للجبل جعله دكاً:

افاضات محمدیه در ظهور کائنات: حق مطلق، از لیل تاریک ذات صرفه (و الیل اذا غَسَسَ و الصبح اذا تَنَفَّسَ) صبح ظهور را نمایان ساخت تا اینکه جمیع اسماء که از نورانیت عالم اسماء از نَفَس الرحمن یعنی حقیقت محمدی که وجود مقید و منبسط نیز گویند، حرکت کردند. در این هنگام بود که سرچشمه جواد و فیاض، شوق بخشش به خود گرفت. و الشمس و الضحیها شمس حقیقت محمدیه با ضحی و فروغش، پرتوافشانی کرد. ابر و سحاب فیض با باران زای فیاض مطلق از دریچه وجودی حقیقت محمدی آن چنان بر زمین مرده ماهیات نورافشانی کرد و باران رحمت پاشید که زمین استعداد به نور پروردگارش درخشان شد کمال این درخشش بعد از ظهور حضرت حجت (ع) نمایان خواهد شد. اشرف الارض بنور ربهها. (حکیمان ۱۳۸۰).

معیت و افاضات حقیقت محمدیه در کیفیت انبساط آفرینش انا لموسعون و کل یوم هو فی شأن.

((رسول الله (ص) با هر موجودی بوده است. یعنی تمام ما سوی الله از عالم مُلک ملکوت، از عقول و ارواح، نفوس علویه و سفلیه، موجودات عالم صورت و عالم طبع با همه و همه بوده است... حقیقت وجود گل و بوی و عطرا میزگل و طراوت گل، همه و همه رسول الله است... بلبل... ماه و خورشید و زیباییهای عالم مملو از شادابی و طراوت و عشق و محبت و علم و قدرت و حیات، همه و همه رسول الله است. وجود و نفس واسع آن حضرت، آنقدر در عالم بقاء بالله، وسیع است که با هر موجودی از ملکوت و باطن، از مُلک و ظاهر او، همراه است و این است مقام ولایت کلیّه که ما درباره امامان (ع)، قائل هستیم (علامه طهرانی ۱۴۲۹) موجودات مادی و غیرمادی از دریچه وجودی حقیقت محمدی. آغاز کائنات از محمد است و رجوعشان به محمد. و از این واسطه آغاز آنها از خدا و به سوی خدا، ربط پیدا می کنند. مولای هر چیز، حقیقت آنست: هر چیزی ظاهری دارد با ظهور مظاهر اسماء ظاهر در کسوت ماهیت و در نشئه مادی که جنبه خلق آنست و باطنی دارد با جنبه حقیقی که حقایق اسماء تجلی یافته در آن، مربوط به عالم امر است و ظهور اسم الباقی و وجه الباقی آن اشیاء می باشد. این وجه الباقی، حقیقت آن چیز و ربّ آن چیز است که آن چیز از آن، آغاز شده و بازگشت پایانی و مبداءش به آن وجه بر می گردد. که آن حقیقت و اسماء نیز در اسم الله، فانی و مندک و مستهلک شده است. (علامه طهرانی ۱۴۲۹)

همه کائنات جمعند در ام الكتاب و کل شیء احصیناه فی امام مبین: امام مبین را مصادیق بیشماری گفته اند. از جمله: نفس کلی؛ عقل فعال، قلب محمد، روح اعظم، لوح محفوظ، جبرئیل، عرش عظیم، که اول ما خلق الله یعنی نور محمدی، مقام ممتاز را از دیگر مصادیق ربوده است به جهت شرافتش و سجد ملائکه بر حضرتش. بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ. حقیقت قرآن یعنی قرآن ناطق، همان وجود حقیقی مقام محمدی است. قلب محمد را لوح محفوظ گفته اند چون محفوظ است از تبدیل، تغییر، تحریف و تاثیر القاء شیاطین. لم یطمئن انس قبلهم و لا جان جاری شده در سیر نزولی به جهت اکمال. حقیقت روح کلی تمام موجودات در وجود ولی الله بعنوان خلیفه الرحمن، منقوش و ثبت شده و کلیات و حتی جزئیات عوالم هستی در وجود امام مبین، قرارداد شده است بدون حضور ماده عنصری. با وجود اینکه تمام ذرات و جزئیات و حقایق موجودات در لوح درون ولی الله، جای دارد با توجه به الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ. حجت الله، گاهی به مشیت خداوند، دستور به عدم توجه به کثرات، صادر و ضرورت مطالعه وحدت ذات حق تعالی ابلاغ شده و در مقام رویت حقیقت عشق فانی می شود و تمام کثرات و ذرات عوالم خلقت در درون او، گم میگردد و او فقط توجه به محبوب دارد. فرمایش حضرت مصطفی را تفسیر می کند: لَیْ وَ قَدْ لَایَسَعَنی فیه مُلْکٌ مُقْرَبٌ أَوْ نَبِیٌّ مُرْسَلٌ (امام خمینی). تمام کلیات و جزئیات عوالم وجودی در لوح و ضمیر و نفس منبسط ولی الله، جای گرفته است. هرگاه حق تعالی اراده کند، حضرت ولی الله جزئیات اشیاء را در منظر حدّ و حدود و تفصیل و فرقان آنها از گذشته تا آینده، از مُلک تا ملکوت، از جبروت تا لاهوت، شهود می کند.

اولیاء معصومین محمدی در جایگاه کلنا محمد هستند با توجه به حدیث مولا علی مرتضی (ع)؛ اولنا محمد، اوسلنا محمد،

اخرنا محمد، ، کلنا محمد. امام صادق(ع) : خلقنا واحد و علمنا واحد و کلنا واحد عندالله و نحن شیء واحد.(فیض کاشانی)

معیت ارواح طیبه چهارده معصوم در تکوین موجودات از نظر ایجاد، حرکت، بقاء و هدایت اکمالی آنها :

فرمایش امام صادق(ع) فرمود: الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ اثبات می کند که ظهور کائنات از ارواح چهارده معصوم در جمله بکم یفتح الله و بکم یختم و نزول اراده رب به قلوب اهل بیت معصومین و صدور از آن بزرگواران و توزیع احکام خلقت موجودات بواسطه اعمال ولایت آنها در فرازهایی از زیارت مطلقه امام حسین(ع) اشارات بدیعی شده است: مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَأْ بِكُمْ، ... وَ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَ بِكُمْ يَخْتِمُ، وَ بِكُمْ يَمْحُو مَا يَشَاءُ، وَ بِكُمْ يُثَبِّتُ، ... وَ بِكُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا، وَ بِكُمْ تُخْرِجُ الْأَشْجَارَ أَثْمَارَهَا، وَ بِكُمْ تُنْزِلُ السَّمَاءَ قَطْرَهَا وَ رِزْقَهَا، وَ بِكُمْ يَكْشِفُ اللَّهُ الْكَرْبَ، وَ بِكُمْ يُنْزِلُ اللَّهُ الْغَيْثَ، وَ بِكُمْ تَسِيخُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أْبْدَانَكُمْ وَ تَسْتَقِرُّ جِبَالُهَا عَلَى مَرَاسِيهَا، إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ، وَ الصَّادِرُ عَمَّا فَضَّلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ،(قمی ۱۳۸۳) فرایند امر بدینگونه است که از تناکح اسماء الله، ارواح ظاهر شده و نکاح ارواح ، نفوس ملائکه و از آنها نیز ساکنان جبروت و ملکوت، تولد یافته و بواسطه آنها نیز موجودات مادی در عالم عنصری ، نمودار می شوند.

ظهور و بروز موجودات خارجیّه و عنصریّه مادی :

ذات تمام ذرات موجودات از ذات حقیقت محمدی است؛ منشاء تمام اعیان ثابتة ، از عین ثابتة کامله حضرت رسول و تمام نفوس عوالم حتی جبرئیل و تمام صفات کمالیه در موجودات از کمال نفس محمد است و بس. مظاهر اعیان ثابتة توجه به مصدر و سرچشمه خود نمودند و حضرت محمد را شهود کردند تمام کمالات خود را از او دانستند . این است رمز معیت حقیقت محمدیه، ولایت علویّه و کوثر فاطمیّه با موجودات. بیمنه بقی السموات و الارض.. ذات هو بر مبنای یفعل کیف یشاء در مقام حضرت مشیت ، موجی از تجلیات بدیع و نوینی را پرتو افشانی کرده که لا تکرار فی التجلی. کل یوم هو فی شاءن. و لا تدری لعلّ الله یحدث بعد ذلک امرأ در جریان می باشد. خلقت موجودات بدون سابقه اولیه (یا من خلق الاشیاء من العدم) بدون طرح قبلی بر اساس یخلق الله ما یشاء بقدرته و یحکم ما یرید بعزته. و بدون مددگیری از غیر . یا رب بلاویر.

ظهور وجودات خارجی عنصری مادی موجودات بعد از تراکم صور و اشباح ماهیات مستقر در حضرت علیم براساس ان فی العرش تمثال جمیع ما خلق الله(فیض کاشانی ۱۳۸۶) . با نغمه کن فیکون به این ماهیتها و اشباح، تحرک بخشیده و در جریان و سربان ظهورات مرتبه بعدی تنزلی داد. خلق الله الخلق فی ظلمه ثم رشّ علیهم من نوره ، نور قدرت در جلوه اسم قدیر و خلاق و بدیع و علیم، با تجلی اسم ظاهر انجام می گردد تا خلایق به منصف ظهور عینی در آیند.

ج- مدبرات امر در فرایند خلقت و دوام بخشی آنها وضعیت کنونی آفرینش(فوس حضور ن و القلم و مایسترون)

۱- نقش ملائکه مقرب، کبری، نفوس کلیه: مباشرین امر الهی بعنوان مدبرات امر والنازعات غرقاً... فالسباقات سابقاً. فالمدبرات امرأ ادراک کیفیت مباشرین امر الهیّه در فرایند ربوبیت ربّ العالمین در جلوه هو الله الخالق المصور، سیر نزول خلقت بر مبنای انا انزلناه ... در عوالم نزولی از لاهوت تا جبروت و ملکوت و عالم مُلک و ناسوت. توجه به نمای هرم هستی و نقشه توزیع مخلوقات در این نما. و چگونگی تداوم و لحظات کنونی و سرانجام و پایان خلقت و نقش زمان در جلوه ظهور اسم دیهپور و دهر و سرمد در نمایان شدن زمان؛ ساعت. مواردی است که باید به تفصیل اشارتی نمود و لی به جهت محدودیت مقاله ، میسر نشد. تمام این عوامل و ملائکه ، کلمات الله و رسل ربّ هستند. یا من یحق الحق بکلماته . و یا من جعل الملائکه رسلاً.

۲- صدور مشیت کن فیکون و لبیک گوئی مدبرات امر در انما امره اذا اراد شیئاً ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء و الیه ترجعون نسبت ذات حق تعالی با تعینات و ماهیات جسمانی، ربط حق تعالی با ماهیات ممکن الوجودات از جنبه شیئیت اشیاء در جلوه علمی اثبات می شود که بر مبنای تعلق اراده و قدرتش برای ظاهر ساختن و بروز دادن علم قدیم و ازلیش برای تحقق بخشیدن و عیان کردن آنهاست . تا اراده اول او و اعمال قدرت به تعینات و ماهیات علمی که شیئیت اشیاست امر تعلق نگیرد و قول کن صادر نشود؛ موجودات نیز ظاهر نگردند. و این قول و مقول ، کن و مکون ، همزمان است و فاصله بین آنها نیست مگر از باب علت و معلول. که همان حصول نسبت و ربط تجلی احدیت ذاتی و معیت یافتنش به اعیان خارجی اشیاست . اگر تداوم این ربط و فیض قطع شود، از موجود ، نه وجود بالغیر ماند و نه ماهیتی. و این امر تداوم و معیت دارد در تمام لحظات و چون خداوند سبحان، منزّه است اینکه ماهیات با لحاظ سوار شدن بر عنصریات با مقام

ذات، معیت داشته باشند. این بیانگر تجرد معیت و تعین می باشد چون چون ملکوت و باطن و حقایق کل اشیاء بدست قدرت او، از جلوه بیده ملکوت کل شیء... و ما من دابه الا هو اخذ بناصیتها... ناصیه و پیشانی موجودات ناسوتی یعنی ریسمان ارتباط و ظرف وجودی وهویت ذاتی و صفاتی و افعالی موجود مادی به دست اوست من الازل الی الابد. به این معناکه کد غیبی ارتباط هر موجود با ذات حق تعالی، اسمی است مجهول و ناشناخته و پنهان که با ذات هو درمعیت اوست.

۳- گن فیکون در عالم ملک و ملکوت و فیزیک طبیعت (فرشاد ۱۳۸۰): آنگاه فرمان، باش و سپس موجود شدن موجودات صادر شود که یکی از نامهای حق تعالی، متکلم است و از صفات ذاتی و اسماء سبعة می باشد آنگاه مفهوم کلام، نوعی القاء و صدور فرمان در عالم مشیت و لاهوت صادره به عوالم نزولی است و این امر در فیزیک نیز جایگاه صوت و ارتعاشات صوتی در ابلاغ فرمان کلامی قابل بحث است. فرکانس انرژی صدا بر شکلهائی که هنگام رویت انرژی، ظاهر می شوند، اثر می گذارد.. به همین دلیل این صوت، سازنده می باشد و از طریق ارتعاشات، ساختمان و یا حتی عناصری را می سازد. ستارگان و سحابی ها و حتی موجودات زنده بوسیله نوعی صوت(غیرمادی - کن فیکون -) و ارتعاشات هوشمند (موج و نوعی نور اراده حق تعالی) در مقام ساخته شده می باشند. این انتها و ارتعاشات صوتی ماوراء فیزیک از نوع کوانتمی هوشمند، همان، صدور فرمان حق تعالی در امر آفرینش با حکمتها و مشیتهای خاص کل یوم هو فی شاءن باشد. نقش صوت؛ نور، آگاهی از نظریات فیزیک نوین در راستای تجلی فعلی و آثاری اسم سمیع و بصیر و علیم حق تعالی (وحدت فیزیک و عرفان زمانی ۱۳۸۸). در فیزیک کوانتم، ظهور کائنات در اثر تراکم و فشردگی چهار موج که نهایتاً آنها نیز مظاهر یک موج هستند در جلوه آگاهی و علم. توجه به تراکم موج آگاهی، موج صوتی و موج نوری که شاید از سه اسم علیم، سمیع و بصیر الهی ظاهر شده باشند یک بحث جالب، نوین و باشکوهی در اثبات توحید و وحدت وجودی عالم ماده و مبحث دنیای های موازی و آبر ریسمانها را در صورت اثبات، فضای جدیدی بر چشم انداز خلقت می گشاید. (وحدت فیزیک زمانی ۱۳۸۸)



همکاری حیرت انگیز

هماهنگی نیروهای چهارگانه برای کنترل پدیده های عالم و ایجاد هان نونی بویژه برای ایجاد امکان حیات، است. این فرآیند پیچیده نیروی جاذبه میان پروتون ها، آنها را به هم نزدیک می کند. گاهی دو پروتون به قدری به هم نزدیک شده بر اثر انرژی زیاد خود برای یک لحظه بر نیروی دافعه الکتریکی غلبه و به هم برخورد می کنند. در همین لحظه نیروی ضعیف، یکی از پروتون ها را به نوترون تبدیل می کند و در این هنگام نیروی قوی وارد عمل شده، پروتون و نوترون را به هم پیوند می دهد و اینجاست که هسته هلیم متولد می شود. بر اثر این پیوند، انرژی فراوانی ساطع می شود که به لطف نیروی الکترومغناطیسی به شکل تابش به زمین می رسد. حیات زمینی آهنگ مناسب سوختن خورشید را مدیون هماهنگی میان این نیروهاست.

نیروی هسته ای قوی: نیرویی که باعث پایداری هسته اتم می شود

نیروی هسته ای ضعیف: این نیرو باعث واپاشی نوترون و پروتون و تبدیل آنها به یکدیگر است که در نتیجه به هسته یک

عنصر به عنصر دیگر تبدیل می‌شود. این تبدیل عناصر، عامل اصلی پرتوایی و تولید انرژی هسته‌ای است. این نیرو در واکنش‌های هسته‌ای خورشید و تبدیل هیدروژن به هلیوم است.

نیروی الکترومغناطیسی: این نیرو، اجزای ماده را کنار هم می‌نشانند. الکترون را در اتم مقید و با پیوند اتم‌ها به یکدیگر مولکول‌ها و ساختارهای بزرگ‌تر را تولید می‌کند. این نیرو مسئول همه تغییرات شیمیایی است

۴- فرایند تزریق شعور و آگاهی به ماده و کائنات از جبروت اعلی و مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ موجوداتی از نظر قدرت و شدت حیات و علم و قدرت از همه موجودات برترند، آنها مقامشان بسیار عالی و قدرتشان نیز عظیم و احاطه‌شان بسیار گسترده است؛ مانند جبرائیل و اِسْرَافیل و میکائیل و عزرائیل که واسطه فیض از ذات اقدس حضرت احدیت به تمام عوالم هستند، وجودشان و علمشان بسیار بزرگ است.

تجلی اسم مرید حق تعالی بیانگر ظهور اراده کل، و اسم قدیر، نشان از توزیع قدرت در هستی و اسم علیم، بیانگر تزریق شعور و آگاهی، و اسم خَلْق، نشانگر مهندسی کل عوالم وجودی می‌باشد. از آنجائیکه مداخله و ورود و حضور ذات مطلق با صفات مطلق، در ظرف ضیق و تنگ، عقلاً و عملاً امکان‌پذیر نیست و این فرایند را غیرممکن نشان می‌دهد. پس همانند ضرورت وجود انواع ترانسها و مبدل‌های کاهنده از مبداء نیروگاه هسته‌ای با ولتاژ کم تا نیم ولت بلکه ولتاژها میکرو و نانو است. پس باید واسطه و آئینه‌های کاهنده تجلی صفات مطلقه باشند که عبارتند از ملائکه و ارواح و نفوس مجرده طیبه که بر سلولها و عناصر و پدیده‌های طبیعت، حکمرانی و فرماندهی دارند؟

این فرایند از کدامین فضا و بستر و عالم جبروت و ملکوت در درون ماده و سلول، تزریق می‌شود؟ که در مظاهر بافتها بصورت گوشت و استخوان و خون و نرونهای عصبی و پالسهای پیام الکتریکی ظاهر می‌گردند؟ وجود واسطه‌های فراماده برای تزریق صفات مطلق در یک ظرف بسیار کوچک ماده بویژه میکروها را ضروری می‌نماید که در اصلاح فرهنگ توحیدی - قرآنی، به آن ملائکه کبری و مقرب و فرشتگان گویند. لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ حَشْيَةِ اللَّهِ. چون موجودات بویژه مادی، قدر تحمل و اخذ تابش صفات مطلقه خداوندی را ندارند لذا وجود واسطه‌هایی در در انتقال توان عظیم صفات الهیه به موجودات کوچک نیاز می‌باشد. باید این موجودات فرامادی و عقول و نفوس و ارواح مجرده و ملائکه مقرب، کبری، کلیه و جزئی در راستای اجرای امر خداوندی نقش مأموریتی خود را به نحو احسن اجرا نمایند.

۵- نقش اسماءالله؛ حقیقت محمدیه و جبریل امین و ملائکه در صنعت دست ساز بیونانو تکنولوژی:

توحید در صنعت: با امدادهای نیروهای فراماده و عقول نورانی یعنی ملائکه و ارواح؛ انسان به مدد عقل کاربردی خود که پرتوی از عقل فعال یعنی جبرئیل است کار تحرک بخشی به شکل ظاهر طبیعیات و تحرک بخشی ژنها و دستکاری نمودن ترکیب ژنی در پیوند گیاهان و اصلاح بذرها نباتی را برعهده دارد و خلقتهای متنوع را با انواع محصولات صنعتی ظاهر می‌سازد. توجه به مهندسی بیو ارگانیک سلول طبیعت و الهام بخش بودن آنها در بیو مکانیک و نانو تکنولوژی اثبات می‌کند که در پلان مهندسی عالم ماده زیست گیاهی و سلول جانوری می‌توان نقشه مهندسی شده در جهان طبیعت بویژه در ذرات بنیادی و فضای بسیار وسیع اما کوچک سلولی با حضور آگاهی فعال و خلاق را در جلوه هو معکم، اینما تولوا فثم وجه الله، و مسیر حرکت جوهری طبیعت، را در گداهای علمی و ساختار پروتئینی کروموزومها و مهندسی ژنتیکی را در تماشاگاه راز، مهندسی جبرئیل مشاهده نمود. (حکیمان ۱۳۹۱)

خلقت و آفرینش نوین در ارگانیک طبیعت و صنعت انسانی: نقش جبرئیل و نفوس منوره و ارواح عالیه طیبه در خلقت سکناس کنونی طبیعت و وسع کرسیه السموات و الارض و نقش آنها و ملائکه در صنعت، بیومکانیک، شبیه سازی و نانو تکنولوژی همگی پرده برداری از چگونگی جلوه‌های علم آدم الاسماء کلها می‌باشند و اكمال مقام جبرئیل در جایگاه افق اعلی در معراج حضرت محمد(ص). لذا کیفیت انبساط خلقت آفرینش و توسعه آن براساس انا لموسعون و کل یوم هو فی شأن قابل توجه است: حق تعالی خالق مطلق است هم در رابطه با موجودات غیر ماده. یا رب کل شیء و صانعه. یا باریء کل شیء و خالقه و هم صنعت انسان یا صانع کل مصنوع. یا من هو صانع کل شیء.

ساکنان جبروت و جبرئیل نیز، خالق هستند در موجودات ملکوت، فرشتگان و یا عوامل نوری، عقلی با آگاهی و شعور خلاق،

خالق در طبیعت می باشد و انسان نیز خالق است هم در ظهور موجودات طبیعی به مانند کرامات و معجزات با صیغه طبیعت و هم خالق است در محصولات صنعت و تکنولوژی بعنوان مهندسی صنایع میکرو و صنعت میکرو و بیو و نانو تکنیک . در همه این مراتب، معیت و حضور حق تعالی، ملائکه مقرب، فرشتگان، نفس قدسیه انسانی و عقل کاربردی بشری قابل رویت می باشند. و همه این آفرینشها به اذن الله می باشند. با امدادهای نیروهای فراماده و عقول نورانی، انسان به مدد عقل کاربردی خود که پرتوی از عقل فعال یعنی جبرئیل است کار تحرک بخشی به شکل ظاهر طبیعیات و تحرک بخشی ژنها و دستکاری نمودن ترکیب ژنی در پیوند گیاهان و اصلاح بذرهایی را برعهده دارد. که این امر را در تکنولوژی دوره ماشین و دیجیتال و نانو، قدرت خلاقیت خود را به نمایش می گذارد و خلقتهای متنوع را با انواع محصولات صنعتی ظاهر می سازد.

چنانچه در پلان و نقشه مهندسی هستی؛ انواع لوح، کتیبه، قلم، برنامه نویسی، کیفیت ظهور و نمایش تصاویر، صحنه ها و مکتوبات را در عالم مشیت، قضاء، قدر، جبروت، ملکوت، بنام لوح محفوظ، لوح محو اثبات، لوح روح و نفس و لوح طبیعت وجود دارد لذا این امر را با زبان علمی در برنامه نویسی و انتخاب قلم در انواع لوحهای فشرده نانو دیجیتالی، وب می توان توجیه کرد. توجه به مهندسی بیوارگانیک سلول طبیعت، الهام بخش بودن آنها در بیومکانیک و نانو تکنولوژی اثبات می کند که اگر در عالم ماده با نگاه موشکافانه به پلان مهندسی ماده در زیست گیاهی و سلول جانوری با تمام ابعاد با شکوهش، به وسیله رادیو تلسکوپهای نوین نجومی تا میکروسکوپها پیشرفته می توان نقشه مهندسی شده در جهان طبیعت را بویژه در ذرات بنیادی و فضای بسیار وسیع اما کوچک سلولی را نظاره بکنیم، حضور شعور و آگاهی فعال و خلاق را در جلوه هو معکم، اینما تولوا فتم وجه الله، و در برنامه مسیر حرکت جوهری طبیعت، راهبردهای علمی شعور مطلق را در گداهای علمی و ساختار پروتئینی کروموزومها و مهندسی ژنتیکی را در تماشگاه راز، مهندسی جبرئیل مشاهده خواهیم کرد و اعتراف کرد: فتبارک الله احسن الخالقین. که امر مهندسی بسیار دقیق طبیعت، اعتقاد به رب النوع ها و موجودات نورانی عاقله، امشاسپندان و فرشتگان در ادیان ابراهیمی را بیان می دارند. و ما من الا له مقام معلوم. جایگاه معلوم دارند.

اشاره علی (ع) به کمیل در تبیین نفس جمادی، نباتی، حیوانی، ناطقه بشری، قدسیه الهیه و به موجودات نورانی عاقله غیر مادی عاری از قوه و استعداد ملائکه. بیانگر آنست که در طبیعت مهندسی شده، نشان دهنده از هوش طبیعی و آگاهی فعال و خلاق بسیار پیچیده سازندگان ارگانسمی ذرات سلولی بویژه بیوژنتیکی است. با الهام از طبیعت و الگو برداری و کپی از مهندسی ارگانسم طبیعی و بیولوژی بعد از شناسایی ابزار فرمانبرها، حس گرها، انسان را از فضای گوشت و پوست و خون و استخوان خارج نموده و این صفات او را به قطعات فراحساس صنعتی از نوع میکرو و نانو هدایت می کند.

ارمغانهای ماکرو، میکرو، بیو و نانو تکنیک به عنوان خلقت صنعتی بدست خلیفه خدا حضرت آدم و بنی آدم قابل تحسین است با توجه به اینکه خلقت انسان در جلوه صنعت و بویژه بیو مکانیک، باشکوه تر و حساس تر و عظیمتر از خلقت ملائکه می باشد. چون آنچه که در حوزه مأموریتی فرشتگان نبوده باشد (مانند محصولات کنونی و آینده صنعتی دست ساز انسان) لذا برای ظهور کمالات اسمائی و صفاتی حق تعالی باید موجود برتر از ملائکه دست بکار شوند و آنها همان مهندسین صنایع ماکرو و میکرو و بیو نانو مکانیک می باشند و با تمام ضعف ایمانی و اخلاقی و عبادی خودشان، این همه شاهکار فراملائکه را نشان داده اند و اگر این عقول معیوب تحت اشراقات عقل قدسیه حضرت ولی الله و پیشرفت الهی قرار گیرند، منورتر خواهند شد و آن همان کمال رسانی تکنولوژی بعد از ظهور توسط حضرت مهدی (ع) می باشد. اگر بیو مکانیک همانند طبیعت بتوانند خود ترمیمی را در عالیترین طرح، انجام دهند هوشمندی خود را اثبات می نماید. چگونگی حضور ملائکه و معیت حق تعالی با موجودات طبیعی و از همه باشکوهتر حضور و مداخله ملائکه جزئی و کبرای الهیه بویژه جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و حتی عزرائیل در شاهکارهای دست ساز و صنعتی باید مورد توجه موحدین و دانشمندان فنی قرار گیرد.

ساخت یک دوچرخه، سرامیک، قطعه ترانزیستور گرفته تا آبر مکانیکهای دیجیتالی. توجه به خلاقیت انسان در ساختمان سلول صنعتی آلیاژها، لیاف، عناصر زیست دارو، پزشکی، صنعت فضائی و نظامی، نفت و گاز، هسته ای، اختراع سنسورهای هوشمند و تزریق ولتاژهای نانو و میکرو، ترمیم سلول های بنیادی و شبیه سازی، ژن درمانی رمز سجده ملائکه بر آدم را عیان می سازد. همکاری عناصر شیمیائی و فیزیک کوانتم با بازیگرهای ذرات بنیادی یک سمفونی منظم با شکوه توحیدی را ایجاد نموده

و ندای فتبارک الله الخالقین را هم با حضور ملائکه و هم انسان به نمایش گذاشته و پروسه تکامل موجودات الی الله تصیر الامور را اثبات می کنند. و این است پرده ای از یک موسیقی بهشتی. (حکیمان ۱۳۹۱)

چشم انداز احاطه توحیدیه در آینده صنعت دست ساز انسانی: اگر بصیرت توحید نگری که هو اول کل شیء و آخره؛ من کان عدواً لجبریل و میکال فانه عدو لله را بر آن بیفزاییم و پیوند حقیقی عاری از تخیل را بین آنها برقرار کنیم بعنوان تولید فکری مورد تاکید مقام معظم رهبری را در راستای وحدت بین حوزه و دانشگاه میسر خواهد شد. دخالت انسان در طبیعت و اذن و قدرت بهم زدن آن در هدایت تکاملی طبیعت و صنعت که ظهور و بروز نهائی اسماء الله بدست انسان آیه سخر لکم مافی السموات و ما فی الارض را تفسیر بهینه و عیانی می کند. نفوذ و خوض انسان در ذرات طبیعت، همان دخالت دادن خلیفه خدا برای تماشای صفات متجلی شده حق تعالی را در فی خلق السموات و الارض لآیات لاولوا الالباب بیان می کند و هم بعنوان ابداع و خلقت توسط انسان، آیه انی اخلق من الطین کهیئه الطیر الله خلقکم و ما تعملون: را در انی اعلم ما لا تعلمون سوال استفهامی فرشتگان در سجده بر آدم تبیین می کند. در بعد از ظهور بقیه الله اعظم امر جهش عقول و ظهور صنایع نوین تکنولوژی به مدد اخراج ۲۵ حرف باقی مانده از ۲۷ حروف اساسی علم و سطره انسانی را به نمایش خواهد گذاشت آنگاه فتبارک الله احسن الخالقین با شکوه ترین جلوه و نمودش را نمایان می کند در تفسیر آیه علم آدم الاسماء کلها باید اشاره کرد که علم الهی در انسان مستتر می باشد خداوند به آدم، علم اسماء را آموخت و بنا به فرمایش امام صادق (ع)، تمام زمین ها، کوهها، درهها، بستر رودخانهها و حتی همین فرشی که در زیر پای ماست، به آدم شناسانده شده و بیانگر اثبات برتریت خلقت صنعتی انسان نسبت به ملائکه است؛ هم کار ملائکه و هم شاهکار صنعتی انسان که هر دو به اذن الله می باشد.

• ضرورت شهود ظهورات توحیدیه و توجه به ولایت کبرای محمدیه:

محبوبه مطلق که حق تعالی است در ظاهر اشیاء، دیده می شود

سنریهم ایاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین انه الحق: ما آیاتمان را در آفاق و انفس به آنها نشان می دهیم تا برایشان مبین گردد که آن است حق. فوراً به ذهن می آید که نشان داده شده حق می باشد. او با وحدت ذاتش، در اشیاء، نمایان است. که از منبع علوم و سرچشمه زلال و صافی معدن حکمت و میراث اهل بیت رسول الله (ع) صادر شده است. مانند قوله علیه السلام: ما رأیت شیئاً، الا و رأیت الله قبله، و قوله علیه لاسلام: داخل فی الاشیاء لا بالمُمازَجِه، انه قال: ان الله تبارک و تعالی کان لم یزل بلاً زمان و لا مکان؛ و هو الآن کما کان. لا یخلو منه مکان.... ما یكون من نجوى ثلاثه الا هو رابعهم، و لا خمساً الا هو سادسهم، ... الا هو معهم. وحديث: لیس بینة و بین خلقه حجاب غیر خلقه. احتجب بغير حجاب محجوب، و استتر بغير ستر مستور (علامه طهرانی) سعه و گسترش وجود ذات حق تعالی به قدری است که تمام اشیاء را فرا گرفته و هیچ موجودی از آن خارج نیست. و خداوند در لا زمان و لا مکان (عند سدره المنتهی) قبل از پیدایش اشیاء بوده و الآن هم همین طور است. او، شناخته ترین شناخته شده هائی است که وجود و حضورش نیاز به اثبات ندارد و وجودش بدیهی است یا خیر معروف عرف: (حکیمان ۱۳۸۸)

متی غیبت ان تحتاج الی ظهورک. از دیده عاشقان نهان، کی بودی / فرزانه من، جدا زجان کی بودی.؟ (امام خمینی)
هو الذی فی السماء اله و فی الارض اله. قال رسول الله: لو دلیتم بحبل الی الارض السفلی لهبطتم علی الله (امام خمینی) اگر به پائین ترین نقطه زمین بروید بر خداوند تبارک و تعالی فرود آمده اید. یا من دنی فی علوه و قرب بی بعده. الا انهم فی مرية من لقاء ربهم الا انه و بكل شیء محیط. مردم در لقای خداوندشان شکت دارند در حالیکه واقعیت آفاق و انفس، خود خداست که به آیات و علائم مختلف نشان داده شده است. با وجود آنکه او در آفاق و انفس مشهود و مورد زیارت و لقاء می باشد، و مردم جهان در هر چیز و در هر نفسی از نفوسشان اول چشمشان به خدا می افتد و او را می نگرند و دیدار می نمایند؛ چرا با این وضوح، در وی شکت دارند؟ خدا بر هر چیزی احاطه دارد، نه تنها احاطه علمی حضوریه یا حصولیه بلکه احاطه وجودیه و احاطه معیه که با هر آیه و نشانه در آفاق و انفس، اول وجود خود خدا هست و احاطه بر آن دارد، و سپس آن آیه با تعیین و تشخیص خود و بالعرض و المجاز، خودنمایی می کند. اول خداست و پس از آن موجودات. ظاهر اوست و ظهور اشیاء به او. او نور است و غیر او منور به نور او. و اگر اشیاء با نور خودشان می توانستند خدا را نشان بدهند، اشیاء جایشان را با خدا عوض کرده، خدا شده

بودند. (علامه طهرانی). همه ذرات موجودات، لا اله الا الله می باشند فرمایش علی (ع) در اعمال ذی الحجه بیانگر این موضوع است. که هر گل و هر ذره و سنگ و ریز ماسه و همه عالم ملک و ملکوت خود لا اله الا الله هستند به اعتبار حقیقت وجودشان و به اعتبار ماهیت، منکد در اسم جلال و عزیز خداوند سبحان. (علامه طهرانی)



• د - پایان آفرینش : (قوس صعود ن و القلم و مایسترون)

۱- سیر معادی و منتهی الیه قوس صعود : والیه راجعون و بکم یختم یا محمد : الا الی الله تصیر الامور و یرجع الی الیه آیاتی است در اثبات این امر قیامت. معاد از عود است به معنای بازگشت هستی و کائنات به آغاز خود با این تفاوت که در طبیعت، جلوه یلی حقی موجودات ، ظاهر و یلی حقی آنها ، پنهان است و در قیامت با الیه تقلبون، این امر برعکس خواهد بود یعنی طلوع کامل آفتاب توحید و به بطون رفتن تعینات و ماهیات.

بیان کیفیت الیه یرجع کل شیء ؛ الیه تصیر الامور و انا الیه راجعون کل کائنات و موجودات مادی و غیرمادی از دریچه وجودی حقیقت محمدی . آغاز کائنات از محمد است و رجوعشان به محمد است و بس و از این واسطه آغاز آنها از خدا و به سوی خدا ، ربط پیدا می کند. بیان شدن که در سیر نزول و قوس ظهور کائنات من الله و الی الله در مبداء و معاد و همینطور بکم یفتح الله از حقیقت محمدی به حقیقت محمدی بکم یختم ، ختم می شود. لقاء محمدی باب است برای لقاء الله و همینگونه فنا فی الله لازمه اش فنا و محو و ذوب شدن هستی و ساکنان عوالم وجودی در مولای خود می باشند. توجه به حدیث الحجه قبل الخلق و مع الخلق و بعد الخلق ؛ بابی انت و امی، جعلت فداک . فرمایشات حضرت عیسی بن مریم (ع) در انجیل برنابا و احادیث قدسی به موسی و داوود و انبیاء عظام دیگر اثبات این نکته است که یا محمد لو لاک لما خلقت الکون . خلقت الافلاک لاجلک و خلقتک لاجلی. فنا شدن نفوس جزئیة در نفس کلی در یک مجتمع با حذف هویتات و اذا النفوس زوّجت ترسیم می کند که سیر معادی آنها نیز به ارواح و آنها در روح اعظم و سپس روح اعظم در مولای خودش (علامه طهرانی) ؛ حقیقت محمدیه فانی و محو می شود و بدینگونه همه نفوس و ارواح و موجودات در الی الله یرجع کل شیء مصداق عینی پیدا می کنند. و لقاء الهیة انجام گیرد. ادم و من دونه تحت لوئی یوم الیقامه.. والله اعلم منّا علماً و یقیناً.

پایان آفرینش : (قوس صعود) در سیر معادی و منتهی الیه قوس صعود و الیه راجعون با لحاظ بکم یفتح الله و بکم یختم بحث شده است . آغاز کائنات از محمد است و رجوعشان به محمد است . لقاء محمدی بابی است برای لقاء الله چون ادم و من دونه تحت لوئی یوم الیقامه اول موجودات در این سیر معادی ، ، به آخر می رسند. کما بداءنا اول خلق نعیده . بعد از تنزل الملائکه و الروح ، نوبت عروج آنهاست تعرج الملائکه و الروح الیه فی یوم کان مقداره خمسين الف سنه . معاد و عود به معنای بازگشت هستی و کائنات به آغاز خود با این تفاوت که در طبیعت، جلوه یلی خلقی موجودات ، ظاهر و یلی حقی آنها ، پنهان است و در قیامت با الیه تقلبون، این امر برعکس خواهد بود یعنی طلوع کامل آفتاب توحید و به بطون رفتن تعینات و ماهیات.



۲- در این سیر معادی اول، به آخر می‌رسد. کما بداءنا اول خلق نعیده . الم ترا ربک کیف مدّ الظل ثم قبضناه الینا قبضاً یسیراً. بعد از تنزل الملائکه و الروح، نوبت عروج آنهاست . تعرج الملائکه و الروح الیه فی یوم کان مقداره خمسين الف سنه شایان ذکر است که از مبداء وجودی تا معاد صودی من الله تا الی الله بین عبد ذلیل تا جایگاه ربّ جلیل؛ هفتاد هزار حجاب و پرده است از نارظلمانی تا نورلامع . به حکم فرمایش نبی اعظم(ص) : *وَ عَنْ أَنَسٍ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ قَالَ جَبْرَائِيلُ إِنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَ الرَّبِّ كَسْبُعَيْنِ حِجَابًا مِنْ نَارٍ أَوْ نُورٍ لَوْ رَأَيْتُ أَذْنَاهَا لَأَخْرَقْتُ* ... (علامه مجلسی) باید همه موجودات به کمک فرماندهان ملکوتی خود، این پرده ها و حجابها را دریده و با سرعت بسوی حق تعالی و فنا فی الله پیش بروند. و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون چون که او در جایگاه این فرازها قرار گرفته است. یا من کل شیء صائر الیه یامن لامقصد الا الیه یا من الیه یرجع الامر کله.

• و - نتایج :

در یک نتیجه گیری فشرده ، مفاهیم زیر، استنباط می‌گردد: *قبل از خلقت ، فقط ذات مطلق او بود و بس. هیچگونه ظهوری از ذات هو، قابل شهود نبود. تجلی ذات در ذات و اسم الله الاعظم در مرتبه بعدی ظهور بوده است.* چون او فیاض است و کل یوم هو فی شأن . لذا صدور فیضش ، ازلی و ابدی است و لحظه ای منقطع نمی‌گردد و چون مختار است . لذا خود داند که چه کار بکند و کیف یشاء. چون علم سابقش، نقشه عالم را ترسیم می‌نماید لذا، مخلوقات ، طرح ماقبل خلقت دارند و چون بدیع است لذا خلقت نوین در کل یوم هو فی شأن انجام دهد کیف یشاء.* مقام معراجیه قاب قوسین او ادنی محمدی، بیانگر مبداء آغاز کائنات و مقصد و پایان آنهاست در مرتبه بین احدیت و واحدیت مقام الوهیت . نه احدیت و واحدیت ذات!!! به برکت بکم یفتح الله و بکم یختم. افاضه محمدی موجب خلقت ارواح و سگان عرش اعظم و خلقت جبرئیل و ملائکه مقرب و الواح مقدره قضاء و قدر و مدیرات امر شد به برکت : عرش منم، لوح منم، قلم منم . *عالم ملک ناسوتیه ؛ آخرین مرتبه تنزلات ظهوری حق تعالی می‌باشد . با معیت حق ، اسماء ، محمدیه و ملائکه در ایجاد و تحول ماده عنصری و ارگانیسم و حیات طبیعت و بویژه صنعت دست ساز انسانی و تکنولوژی های او مخصوصاً بیو و نانو تکنیک و آثار صنعتی ظاهر شده ما بعد الظهور. چون حضرت مهدی ، بقیه الله الاعظم است. باقی مانده ظهورات توحیدیه و محمدیه پس از ظهور ظاهر ، ظاهر خواهند شد.

با توجه به حدیث اول ما خلق الله من الروحانیین عن یمین العرش من نوره. (فیض کاشانی) *ظهور کائنات در اثر انبساط ماده المواد ، هیولای اول و جوهر ماده در حرکت خود، پس از متراکم شدن در نماد دُخان، طی انفجاری ، بیک بنگ اول را ایجاد و در پایان سیر صعودی و معادی خود، بیک بنگ ثانویه را برای ورود ماده و عنصریات ، ساحت تجرد را آماده می‌کند. این امر با

مشارکت و تضاد و تراحم و تصادف و برخورد ماده سفید با ماده سیاه و انرژی سیاه مراحل قیامت کبری را به نمایش می‌گزارد. * در تماشگاه راز قرار گرفتن و شهود و رؤیت ملکوت، مبداء و معاد آفرینش از مطالبات خداوند است و این امر بدون ولایت احمدیه و خضر راه برای سالکین امکانپذیر نیست. یا ابا خالد، غربتا و شرقا والله لایجد علماً الا عندنا. * در قوس نزول ظهور و خروج موجودات هستی از کمون غیبی الهیه، چگونه باشد، و سیر نزولی آنها از کجا، باشد؛ بیانگر سیر قوس صعود و معادی آنهاست. از هر کجا آمده باشند به همان جایگاه عود می‌کنند در معاد و قیامت کبری و نهایتاً من الله و الی الله خواهند شد. با ملاحظه مراتب و چگونگی فی الله، عن الله، علی الله آنها. والله اعلم. واین بود هو فی السماء اله و فی الارض اله و ایضاً؛ فی سبع السموات و الارض و مثلهن. * در قوس صعود معادی نیز اذا النفوس زوجت یا ايتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه دقت شود. که پایان سیر صعودی معادی بسوی اوست و لا غیر. و ان الی ربک المنتهی. الحمد لله علی کل نعم. تبیین فرایند قوس نزول، قوس حضور و قوس صعود عوالم وجودی و ساکنان جبروت، ملکوت و ناسوت طبیعت به اندازه و وسع و ناداری نگارنده به پایان رسید به امید: تمت کلمه ربک صدقاً و عدلاً. ان شاء الله

کلّ الخلائق؛ من الله، فی الله، عن الله، مع الله، بالله و لله العلی العظیم تا تحقق یابد ان الله و انا الیه راجعون

بهمن حکیمان

آذربایجان غربی - ارومیه

مدرس گروه معارف دانشگاه ارومیه و سرپرست مرکز آموزش عالی علمی - کاربردی فرهنگ و هنر ارومیه

منابع مورد استفاده نگارنده مقاله:

- ۱- قرآن الکریم، خط عثمان طه. نشر تلاوت سازمان تبلیغات اسلامی. چاپ اول ۱۳۸۷.
- ۲- امام خمینی، روح الله ۱۳۸۴؛ شرح دعای سحر، چنود عقل و جهل، شرح دعای سحر؛ تهران؛ نشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی چاپ چهارم
- ۳- امام خمینی، روح الله ۱۳۷۳؛ مصباح الهدایه، چهل حدیث؛ تهران؛ نشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- ۴- جامی، عبدالرحمن، ۱۳۸۳؛ اشعه اللمعات؛ قم؛ بوستان کتاب چاپ اول
- ۵- حکیمان، بهمین؛ ۱۳۸۰ ساغر شیدائی؛ ارومیه، مقاله شرح لمعات عراقی در دو جلد.
- ۶- حکیمان، بهمین ۱۳۸۶ خاستگاه ماهیات و تعینات؛ ارومیه، مقاله شرح لمعات عراقی در دو جلد.
- ۷- حکیمان، بهمین؛ ۱۳۸۸؛ شرح مشارق الدراری سعد الدین فرغانی؛ فاطمه برتر از هفت آسمان ارومیه مقاله.
- ۸- حکیمان، بهمین؛ ۱۳۹۱؛ بیو ارگانیزم طبیعت و نقش الهام ملانکه در بیو نانو تکنیک؛ ارومیه، مقاله .
- ۹- زمانی، بهرام؛ ۱۳۸۸؛ به دنبال وحدت از فیزیک تا عرفان، تهران. نشر
- ۱۰- طالب زاده، حمید ۱۳۹۰ فلسفه و منطق سوم، فلسفه اسلامی پیش دانشگاهی علوم انسانی؛ تهران؛ کتب درسی
- ۱۱- علامه حسینی تهرانی، محمد حسین؛ ۱۴۲۹ قمری؛ الله شناسی، معاد شناسی؛ مشهد؛ انتشارات علامه طباطبائی.
- ۱۲- علامه طباطبائی، سید محمد حسین؛ ۱۳۸۰؛ رسائل توحیدی، شرح علی شیروانی؛ قم؛ موسسه بوستان کتاب
- ۱۳- عراقی، فخرالدین؛ ۱۳۶۳؛ لمعات، محمد خواجهی؛ تهران؛ انتشارات مولی
- ۱۴- فرشاد، محسن؛ ۱۳۸۰؛ اندیشه های کوانتمی مولانا؛ تهران؛ نشر جامعه، چاپ اول
- ۱۵- فرشاد، محسن؛ ۱۳۸۵؛ روح، ماده، کائنات؛ تهران؛ نشر علم؛ چاپ سوم
- ۱۶- فیض کاشانی، مولا محسن؛ ۱۳۸۶، کلمات مکنونه؛ تصحیح صادق حسن زاده؛ قم؛ نشر مطبوعات دینی؛ چاپ دوم
- ۱۷- قمی، شیخ عباس؛ ۱۳۸۳؛ کلیات مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشه ای، قزوین، نشر بحر العلوم، چاپ سوم.
- ۱۸- کاشانی، عبدالرزاق؛ ۱۴۲۷ قمری؛ تأویلات القرآن؛ بیروت؛ دارالکتب اللمیه؛ الطبعة الثانية
- ۱۹- یوسفیان، حسن؛ ۱۳۹۰؛ مبانی اندیشه اسلامی ۲ - کتب درسی دانشگاهی؛ تهران؛ نشر معارف